مرگ مشکوک پسر ۱۵ ساله بررسی می‌شود

پسر نوجوانی هنگام برگزاری مهمانی شبانه‌ای با دو نفر از دوستانش به طرز مرموزی به کام مرگ رفت.

به گزارش جوان، ساعت ۱۳:۱۰ بعد از ظهر روز چهارشنبه سی‌ام اردیبهشت امسال قاضی مصطفی واحدی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۲۵ یوسف‌آباد از مرگ مشکوک پسر نوجوانی با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی راهی محل شد.

تیم جنایی در محل حادثه داخل پذیرایی آپارتمان مسکونی با جسد پسر ۱۵ ساله‌ای به نام کامران روی مبل راحتی روبه‌رو شدند که به طرز مرموزی جان باخته بود.

بررسی‌های مأموران نشان داد محل حادثه متعلق به پدر کامران است که در اختیار پسرش قرار داده‌است. همچنین مشخص شد، شب قبل کامران، دو نفر از دوستانش را به خانه‌اش دعوت کرده که به صورت مشکوکی فوت می‌کند.

پدر کامران به مأموران پلیس گفت: مدتی قبل دو دستگاه آپارتمان کنار هم خریدیم که هر دو آپارتمان در اختیار خودمان بود و از آن استفاده می‌کردیم. مدتی بود که کلید آپارتمان روبه‌رویی را در اختیار پسرم قرار داده‌بودم و گاهی همراه دوستانش از آنجا استفاده می‌کرد. شب قبل پسرم گفت قرار است دو نفر از دوستانش مهمان او شوند و ما هم مخالفتی نکردیم تا اینکه متوجه شدیم دو دوستش وارد آپارتمان شدند. او همراه دوستانش در آپارتمان بود و شب هم با هم خوابیدند. صبح منتظر پسرمان بودیم، اما او به خانه نیامد که احتمال دادیم هنوز در خواب است اما وقتی خیلی دیر کرد به داخل آپارتمان رفتیم که با بهم‌ریختگی وسایل خانه و جسد بی‌جان پسرمان روی مبل راحتی روبه‌رو شدیم. وی در پایان گفت: وقتی وارد خانه شدیم خبری از دو دوست پسرمان نبود و از آنجایی که پسرمان هیچ بیماری نداشت، به دوستانش مشکوک هستیم و احتمال می‌دهیم در مرگ پسرمان دست داشته باشند.

همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه، جسد پسر نوجوان برای انجام آزمایش‌های لازم و مشخص شدن علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی فرستاده شد. همچنین بازپرس واحدی به مأموران پلیس دستور داد، دو دوست کامران به اداره پلیس احضار شوند و مورد تحقیق قرار بگیرند.

نقشه سرقت خانه ویلایی در دست نظافتچی خانه بود



زن نظافتچی خانه ویلایی که با همدستی شوهرش و دو نفر دیگر نقشه سرقت از صاحبخانه را طراحی و اجرا کرده‌بود، پس از دستگیری به جرم خود اعتراف کرد.

به گزارش جوان، سی‌ام فروردین‌ماه امسال مأموران کلانتری قلهک با تماس تلفنی شهروندی از دستبرد سه‌سارق ناشناس به خانه ویلایی در حوالی یکی از خیابان‌های شمالی تهران با خبر و راهی محل شدند.

پس از حضور مأموران کلانتری در محل، صاحبخانه در توضیح ماجرا گفت: ساعتی قبل همراه همسرم در خانه‌مان نشسته بودیم که زنگ خانه نواخته شد. مردی پشت در خودش را مأمور یکی از ارگان‌های دولتی معرفی کرد که سرایدار خانه هم در را باز کرد. هنوز ثانیه‌هایی نگذشته بود که دیدیم سه مرد ناشناس وارد خانه شدند و به زور دست و پای من و همسرم و سرایدار را با طناب بستند. سارقان خشن که مسلح به سلاح سرد بودند ما را کتک زدند و شکنجه دادند و از ما خواستند محل نگهداری طلا و پول‌هایمان را به آنها نشان دهیم و در نهایت هم پس از سرقت حدود ۵۰۰میلیون تومان پول نقد و اموال باارزش از محل گریختند. پس از این ما به سختی دست و پایمان را باز کردیم و موضوع را به مأموران پلیس خبر دادیم.

پس از طرح این شکایت پرونده برای رسیدگی در اختیار تیمی از کارآگاهان پایگاه‌سوم پلیس آگاهی قرار گرفت. کارآگاهان پلیس در نخستین گام در بررسی‌های فنی یکی از سارقان را به نام بهرام ۳۲ساله که از مجرمان سابقه‌دار است، شناسایی و در عملیاتی در مخفیگاهش حوالی فلاح بازداشت کردند.

متهم پس از دستگیری به سرقت خانه ویلایی با همدستی دو نفر از دوستانش به‌نام‌های علیرضا ۳۳ساله و فؤاد ۳۵ساله اعتراف کرد.

در حالی که دو سارق دیگر فراری بودند، بررسی‌های مأموران پلیس نشان داد همسر علیرضا به نام فرزانه مدتی قبل به عنوان نظافتچی در خانه شاکی مشغول به کار بوده‌است. بنابراین دو سارق و فرزانه تحت تعقیب مأموران پلیس قرار گرفتند تا اینکه چند روز قبل همه متهمان دستگیر شدند.

متهمان در بازجویی‌ها به جرم خود اقرار کردند. فرزانه در تحقیقات پلیسی گفت: مدتی در خانه شاکی به عنوان نظافتچی کار می‌کردم که متوجه شدم او مقدار زیادی پول و لوازم قیمتی در خانه‌اش نگهداری می‌کند. پس از این موضوع را به شوهرم گفتم که او نقشه سرقت از خانه ویلایی را طراحی و همراه دوستانش اجرا کرد. پس از سرقت شوهرم سهمش را به حساب من واریز کرد که دستگیر شدیم.

سرهنگ کارآگاه قاسم دستخال، رئیس پایگاه‌سوم پلیس آگاهی پایتخت با اعلام این خبر گفت: تحقیقات از متهمان به دستور بازپرس شعبه دوم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران برای کشف سایر سرقت‌های احتمالی از سوی کارآگاهان ادامه دارد.

یکی از عاملان شهادت مأمور پلیس:

نفهمیدم چه کسی گلوله را شلیک کرد!



پسر جوانی که همراه همدستانش در جریان درگیری با مأموران پلیس باعث شهادت یکی از مأموران کلانتری شهرک غرب شدند، پس از دستگیری مدعی شد که نفهمیده چه کسی به مأمور پلیس شلیک کرده است.

به گزارش جوان، ساعت ۲۱:۳۰ شامگاه چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت‌ماه امسال استواریکم میلاد خسروی، مأمور کلانتری ۱۳۴ شهرک غرب همراه یکی دیگر از مأموران کلانتری حوالی خیابان سپهر در منطقه سعادت‌آباد چهار مرد دیلم‌بدست را دیدند که در حال تخریب در خانه ویلایی برای سرقت بودند. مأموران پلیس با دیدن این صحنه برای دستگیری سارقان وارد عمل شدند که در درگیری با آنها استوار یکم میلاد خسروی با شلیک گلوله یکی از سارقان به شهادت رسید. پس از این حادثه همکار شهید خسروی موفق شد دو نفر از سارقان را بازداشت کند، اما دو سارق دیگر از محل گریختند. مأموران در ادامه اسلحه کلت یکی از سارقان را کشف کردند و برای بررسی در اختیار کارآگاهان اسلحه‌شناسی قرار دادند. دو متهم به نام‌های انوش و بهراد صبح روز شنبه سوم خرداد به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شدند. متهمان در بازجویی‌ها به درگیری با مأموران پلیس اعتراف کردند، اما مدعی شدند که ما دو نفر به مأمور پلیس شلیک نکرده‌ایم و اینکه همدستمان شلیک کرده یا نه خبر نداریم. پس از این دو متهم برای ادامه تحقیقات به دستور قاضی ساسان غلامی در اختیار کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی قرار گرفتند. همچنین بازپرس دستور داد ضمن بررسی دوربین‌های مداربسته محل حادثه سلاح کشف‌شده از متهمان برای بررسی در اختیار کارآگاهان اسلحه‌شناسی قرار گیرد که مشخص شود گلوله از چه اسلحه‌ای شلیک شده‌است. مأموران در تلاشند تا همدستان فراری متهمان را دستگیر و از این حادثه را بر ملا کنند.

گفت‌وگو با یکی از متهمان

انوش چند سال داری؟

۲۳ سال دارم.

چه‌مدتی است با همدستانت سرقت می‌کنی؟

من سارق نیستم و قبل از این هم در شهرستان کشاورزی می‌کردم.

بیشتر توضیح بده؟

من اهل یکی از شهرهای غربی کشور هستم. تا چند روز قبل از حادثه در شهرمان مشغول کشاورزی بودم و البته گچ‌کار هم هستم و در فصل‌هایی که کار کشاورزی نبود، گچ‌کاری می‌کردم و گاهی هم معامله نخود انجام می‌دادم.

پس چه شد که به تهران آمدی؟

یکی از دوستانم به نام بهراد که با هم همشهری هستیم از مدت‌ها قبل در تهران کار می‌کرد تا اینکه مدتی قبل در شهرستان به سراغم آمد و گفت با او به تهران بروم و با هم قاچاق فروشی کنیم. بهراد گفت با این درآمد در شهرستان به جایی نمی‌رسم و اگر به تهران بروم و قاچاق فروشی کنم، خیلی زود به همه آرزوهایم می‌رسم و پول‌دار می‌شوم. حرف‌های او مرا وسوسه کرد که اسلحه کلتی با پنج‌فشنگ به قیمت ۶میلیون تومان از شهرمان خریدم و شش روز قبل از حادثه همراه بهراد راهی تهران شدیم.

پاتوق قاچاق‌فروشی شما در سعادت‌آباد بود؟

نه، پاتوق ما در قلعه حسن‌خان بود، اما بهراد و دوستش شهروز گفتند که قلعه حسن‌خان مشتری ندارد که آن روز تصمیم گرفتیم به حوالی سعادت‌آباد برویم و حشیش و گل بفروشیم.

بعد چه شد؟

آن روز سه‌نفری تاکسی گرفتیم و از قلعه حسن‌خان به پارکی در حوالی سعادت‌آباد رفتیم. چند ساعتی آنجا بودیم و موادها هم پیش شهروز بود اما مشتری پیدا نکردیم که دوباره تصمیم گرفتیم به قلعه حسن‌خان برویم. به صورت پیاده راه افتادیم که پس از طی مسافتی وقتی به خیابانی به نام گلبرگ رسیدیم، متوجه مأموران پلیس شدیم که با موتور سیکلت در حال گشت‌زنی بودند. با دیدن مأموران پلیس از ترس هر کداممان به کوچه‌ای فرار کردیم که من وارد کوچه‌ای به نام رضایی شدم و در میانه کوچه اسلحه را داخل شمشادها انداختم و به فرارم ادامه دادم که کمی آنطرف‌تر مأمور پلیسی با موتور سیکلت راه مرا سد کرد. دوباره به عقب برگشتم اما پس از چند قدمی تعادلم را از دست دادم و به زمین خوردم. وقتی از روی زمین بلند شدم مأموری خودش را روی من انداخت و با همدستی همکارش مرا بازداشت کردند.

پس چه کسی به پلیس شلیک کرد؟

من با دو مأمور پلیس درگیر شده‌بودم که صدای شلیک به گوشم رسید و شنیدم گفتند یکی از مأموران پلیس زخمی شده‌است. وقتی صورتم را برگرداندم دیدم که مأمور پلیس خونین به دیوار تکیه داده‌است، اما نفهمیدم که چه کسی شلیک کرد و نمی‌دانم که شهروز که فراری است اسلحه داشت یا نه، یا اینکه او شلیک کرد!

تحقیقات پلیس نشان داده که شما چهار نفر بودید؟

سکوت می‌کند.

چرا با خودت اسلحه بردی؟

گاهی هنگام فروش موادمخدر با رقیبان قاچاق فروشمان درگیر می‌شویم و به همین خاطر همیشه با خودمان اسلحه می‌بریم که در درگیری از خودمان دفاع کنیم.

فکر می‌کنی به آرزوهایت رسیدی؟

پیشنهاد دوستم مرا بدبخت کرد و الان نمی‌دانم چه سرنوشتی در انتظار من است و ای کاش در شهرستان بودم و به همان درآمد کم قناعت می‌کردم.

فرار زن و مرد خیانتکار پس از قتل

زن جوان وقتی متوجه شد فیلم ارتباط پنهانی‌اش با مرد همسایه به دست شوهرش افتاده با همدستی وی شریک زندگی‌اش را به قتل رسانده و پس از حلق آویز کردن جسد او گریختند.

به گزارش جوان، ساعت ۱۹:۲۳ عصر روز دوشنبه ۲۹ اردیبهشت‌ماه امسال قاضی مصطفی واحدی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۵۲ خانی‌آباد از مرگ مشکوک مرد جوانی در خانه‌اش با خبر شد و به‌همراه تیمی از کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی راهی محل شدند.

تیم جنایی در محل حادثه در طبقه دوم خانه قدیمی با جسد مرد ۲۹ساله‌ای به نام محمود روبه‌رو شدند که در یکی از اتاق‌ها به طرز مرموزی حلق آویز شده بود.

نخستین بررسی‌ها نشان داد محمود همراه همسرش فریبا در این خانه زندگی می‌کرده است، اما لحظه حادثه همسرش در خانه نبوده و صاحبخانه‌اش متوجه موضوع می‌شود و به پلیس خبر می‌دهد.

صاحبخانه محمود گفت: ساعتی قبل برای انجام کاری به سراغ محمود رفتم، اما هر چقدر او را صدا زدم جواب نداد. از آنجایی که در باز بود وارد خانه‌شان شدم و دیدم او به صورت حلق آویز فوت کرده است و بعد موضوع را به پلیس خبر دادم.

حلق آویزی ساختگی

همزمان با ادامه تحقیقات جسد مرد فوت شده برای مشخص شدن علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی فرستاده شد که تیم پزشکی قانونی اعلام کردند، محمود ابتدا بر اثر فشار بر عناصر حیاتی گردن خفه شده و بعد عامل یا عاملان قتل برای صحنه‌سازی و فریب مأموران پلیس جسد مقتول را حلق آویز کرده‌اند. بدین ترتیب با مشخص شدن قتل مرد جوان مأموران پلیس تحقیقات گسترده‌ای را برای شناسایی عامل یا عاملان قتل آغاز کردند که دریافتند مقتول چند روز قبل به اداره پلیس رفته و از مردی به نام پژمان به اتهام مزاحمت برای همسرش شکایت کرده است.

همچنین مشخص شد پژمان چند روز قبل فیلم کوتاهی از طریق فضای مجازی برای محمود می‌فرستد که نشان می‌دهد برای همسر او مزاحمت ایجاد کرده است و به همین خاطر محمود به اداره پلیس می‌رود و از پژمان شکایت می‌کند.

خواهر مقتول در تحقیقات به مأموران پلیس گفت: برادرم زندگی خوبی داشت و خیلی هم سر زنده و فعال بود و به همین خاطر هیچگاه به فکر خودکشی نبود و همیشه به ما هم امید به زندگی می‌داد. برادرم چند روز قبل خودرویی خرید و قرار بود همراه همسرش به مسافرت برود که این اتفاق افتاد. وی ادامه داد: چند روز قبل برادرم متوجه شده‌بود که یکی از همسایه‌ها به نام پژمان برای همسرش مزاحمت ایجاد می‌کند. پس از این محمود با پژمان صحبت کرد و یک روز بعد هم پژمان برای او فیلمی فرستاد که نشان می‌داد او با همسرش ارتباط دارد. در چنین شرایطی برادرم به اداره پلیس رفت و از پژمان به اتهام مزاحم شکایت کرد. برادرم فیلم مزاحمت مرد همسایه را در گوشی‌اش ذخیره کرده بود و به ما نشان داد اما الان همسرش ناپدید شده است و ما احتمال می‌دهیم همسرش با همدستی پژمان برادرمان را به قتل رسانده است و با صحنه‌سازی قصد داشتند نشان دهند برادرمان خودکشی کرده‌است و به همین خاطر از همسرش و پژمان به اتهام قتل شکایت داریم.

مأموران پلیس در ادامه برای بررسی تلفن همراه محمود به خانه‌اش رفتند که دریافتند همسرش پس از حادثه گوشی محمود را سرقت کرده و به مکان نامعلومی رفته است.

بدین ترتیب همزمان با ادامه تحقیقات پژمان به دستور قاضی واحدی به عنوان مظنون به قتل تحت تعقیب قرار گرفت و همچنین بازپرس دستور داد همسر مقتول به اداره پلیس احضار شود و مورد تحقیق قرار گیرد.



تبعید و شلاق برای مرد مزاحم

مردی که متهم است قبل از خودکشی دختر جوانی با او رابطه پنهانی داشته است در دادگاه به ۹۹ضربه شلاق و یکسال تبعید محکوم شد.

به گزارش جوان، سال ۱۳۹۷ بود که اعضای خانواده‌ای در تهران به اداره پلیس رفتند و از مرد جوانی به نام پویان به اتهام قتل دخترشان به نام آرزو شکایت کردند.

پدر دختر جوان گفت: مدتی قبل متوجه شدم که پویان با دختر ۱۷ساله‌ام ارتباط دوستانه برقرار کرده‌است. پویان دخترم را به بهانه ازدواج فریب داده بود اما مدتی بعد با دختر دیگری ازدواج کرد و بعد هم که متوجه شدیم دخترم را به قتل رسانده و برای فریب مأموران پلیس با صحنه‌سازی دخترم را حلق آویز کرده است.

بدین ترتیب مأموران پلیس پویان را به اتهام قتل بازداشت کردند، اما بررسی و معاینات تیم پزشکی قانونی نشان داد که آرزو افسردگی داشته و به همین خاطر خودش به زندگی‌اش پایان داده است.

در حالی که پویان از اتهام قتل عمد تبرئه شده‌بود، خانواده آرزو این بار از وی به اتهام تعرض به دخترشان و ترغیب به خودکشی شکایت کردند.

متهم در بازجویی‌های بعدی منکر جرم خود شد و در ادعایی گفت: آرزو دوست همسر برادرم بود که چند روز قبل از عروسی‌ام با او آشنا شدم. همسر برادرم با نامزدم و خواهرم اختلاف داشت و به همین خاطر قصد داشت برای آنها پاپوش درست کند و باعث اختلاف ما شود. روز آشنایی همسر برادرم همراه آرزو پیش من آمدند و از نامزدم و خواهرم بدگویی کردند. همسرم برادرم، آرزو را برای شهادت آورده‌بود که حرف‌های او را تأیید کند که با هم آشنا شدیم و ارتباط تلفنی برقرار کردیم. ما در این مدت فقط ارتباط تلفنی و پیامک‌های عاشقانه داشتیم تا اینکه یک روز قبل از مراسم عروسی‌ام به آرزو گفتم مراسم عروسی‌ام است و باید ارتباطم را با او قطع کنم اما آرزو قبول نمی‌کرد و می‌گفت عاشق من شده است و حاضر است به عنوان زن دوم با من ازدواج کند.

من همسرم را دوست داشتم و از طرفی هم نمی‌خواستم اول زندگی‌ام همسرم متوجه موضوع شود به همین خاطر ارتباطم را با او قطع کردم و پس از این آرزو تهدید به خودکشی کرد که موضوع را به خانواده‌اش اطلاع دادم. در حالی که به تلفن‌هایش جواب نمی‌دادم، او با همسرم تماس گرفته بود و بعد هم که متوجه شدم به زندگی‌اش پایان داده‌است.

در ادامه بررسی‌های مأموران پلیس نشان داد متهم با آرزو ارتباط داشته‌است، بنابراین متهم در شعبه ۸ دادگاه کیفری محاکمه شد. در جلسه دادگاه اولیای‌دم برای متهم درخواست اشد مجازات کردند و هیئت قضایی هم با توجه به مدارک و دلایل مرد جوان را به اتهام ارتباط با آرزو به ۹۹ ضربه شلاق و یک‌سال تبعید محکوم کردند. رأی دادگاه پس از تأیید در دیوان عالی کشور برای اجرا به شعبه اجرای احکام دادسرای جنایی فرستاده شد.

مرگ دلخراش ۸ مسافر در آتش‌سوزی ۲ پژو

هشت عضو دو خانواده در تصادف آتشین دو خودروی پژو در اتوبان امیرکبیر کاشان به طرز دلخراشی به کام مرگ رفتند.

رئیس جمعیت هلال‌احمر کاشان با اعلام این خبر گفت: این حادثه مرگبار بامداد روز یک‌شنبه چهارم خرداد در اتوبان امیر کبیر در ۲۰کیلومتری شهرستان کاشان رخ داد. سیدمنصور میرابوطالبی ادامه داد: امدادگران وقتی به محل حادثه رسیدند، دریافتند دو خودروی سواری پژو ۴۰۵ و پژوپارس با هم تصادف کرده و دچار حریق شده‌اند که مشخص شد متأسفانه در این حادثه شش‌نفر از سرنشینان خودروی پژو ۴۰۵ و دونفر از سرنشینان خودروی پژو پارس جان باخته‌اند.

به گفته وی: علت حادثه از سوی مأموران پلیس‌راه در دست بررسی است.

یکی از دوستان راننده خودروی پژو ۴۰۵ به خبرنگار ما گفت: راننده پژو حاج محمد توکلی، فرمانده پایگاه بسیج المهدی در یکی از خیابان‌های جنوب تهران بود. او همراه همسر و چهار دختر ۳، ۸، ۱۱ و ۱۵ ساله‌اش به نام‌های یگانه، زهرا، فاطمه و نرگس با خودرواش راهی سفر بود که در نزدیکی کاشان با خودروی پژو پارسی تصادف می‌کند و خودرواش آتش می‌گیرد.



خروج قطار همدان - مشهد از ریل

قطار مسافربری همدان به مشهد در ۱۰کیلومتری پرند از ریل خارج و باعث مصدومیت تعدادی از مسافران شد.

صادق سکری، مدیرکل روابط عمومی راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران به مهر گفت: قطار مسافربری که از همدان به سوی مشهد در حرکت بود، در حوالی پرندک در ۱۰کیلومتری پرند و ابتدای پل ورودی ایستگاه «جدایش» از ریل خارج شد که در جریان آن دو لوکوموتیو و یک سالن قطار به داخل پل سقوط کردند و دو سالن مسافربری نیز حدفاصل پل و خطوط از ریل خارج شدند.

مهدی ولی‌پور، سرپرست سازمان امداد و نجات هلال احمر هم درباره این حادثه گفت: پس از اعلام این حادثه دو تیم ارزیاب هلال احمر به محل اعزام شدند و ۵مسافری که در این حادثه صدمه دیده‌بودند به صورت سرپایی درمان کردند.

در حالی که علت حادثه از سوی کارشناسان در دست بررسی است گفته می‌شود این حادثه به خاطر سرقت ریل رخ داده است.

آگهی مفقودی

برگ سبز ماشین سواری میتسوبیشی به رنگ آلبالوئی معمولی به شماره انتظامی ایران ۳۵ - ۴۵د۶۲۹ به شماره موتور ۰۰۶۰۴۸ و به شماره شاسی DSNE33AMZ00706 به نام حیدر حشمتی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. تبریز

آگهی مفقودی

برگ سبز خودرو سواری سایپا تیپ 131SE مدل ۱۳۹۶ رنگ سفید روغنی شماره پلاک ایران ۳۸ - ۳۶۶ ن ۱۲ به شماره موتور M13/5968871 و شماره شاسی NAS411100H3389156 متعلق آقای علی ایلیات با کدملی ۰۳۲۰۹۵۱۳۶۷ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. البرز

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان
تلفنی آگهی می‌پذیرد
۸۸۳۴۱۶۵۴

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان آذربایجان شرقی
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک ورزقان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۹۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۰۰۶۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ورزقان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای سلیمان اسدزاده فرزند سلمان به شماره شناسنامه ۱۳۸۸ صادره از ورزقان درششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۴۶۹۷/۳۷ متر مربع قسمتی از پلاک ۲۱۷ فرعی از ۳۹ اصلی بخش ۲۳ تبریز واقع در ورزقان خریداری از خانم گلدسته اسدزاده محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

علی نصرتی – رئیس ثبت اسناد و املاک

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۹/۲/۲۱ – نوبت دوم: ۱۳۹۹/۳/۶